# حکمت و فرزانگی

## نگاهی به زندگانی مرحوم آقا بزرگ حکیم

### خاندان دانشوران

مرحوم محمد تقی میرزا عسکری، معروف به «آقا بزرگ حکیم» از خاندان پرآوازه ای است که ( به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری ) بیش از یکصد وپنجاه سال، فقه، حکمت، فلسفه و ادب را در خراسان زنده نگهداشت. دودمانی که در تاریخ دوقرن اخیر این سرزمین، دررأس مسائل سیاسی ـ مذهبی مشهد قرار داشتند. در رویدادهای مهم سیاسی خراسان از قبیل فتنهٔ سالار، انقلاب مشروطیت واشغال خراسان به دست قوای روس و انگلیس در جنگ جهانی اوّل ودوّم، نقشی حساس در جهت مصالح مردم به عهده گرفتند و دانشوران برجسته ای به انجمن ارباب ادب ومعرفت خراسان تقدیم کردند.

آقا بزرگ حکیم، درچنین دودمان نامداری چشم به جهان گشود. پدر وی، حاج میرزا ذبیح اللّه فرزند حاج میرزا هدایت اللّه پسر میرزا مهدی خراسانی، مشهور به «شهید رابع» است که یکی از بزرگان عرفا، علما ومشایخ شعیه واز شاگردان مرحوم وحید بهبهانی وحکیم آقا محمد بیدآبادی گیلانی وبحرالعلوم است. او، به دست نادر میرزا پسر شاهرخ میرزا از بازماندگان نادرشاه افشار، درحرم امام هشتم به شهادت رسید واز این روی، فرزندانش «شهیدی» خوانده شدند.

### حوزه خراسان در روزگار طلبگی حکیم

آقا بزرگ در عصری حیات علمی خود را آغاز کرد که حوزه مشهد از رونق چشمگیری برخوداربود. اساتید نام آوری چون: میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری( م: ۱۳۰۵ ش.) صدر دشتی، میرزا محمد باقر مدرس رضوی(م: ۱۳۰۳ ش.)، شیخ حسن برسی، شیخ حسن کاشی، ملامحمد معروف به حاجی فاضل(م: ۱۳۰۵ ش.)، شیخ نهاوندی، شیخ محسن گنابادی، شیخ احمد بهار، میرزا عبدالرحمن مدرس (م: ۱۲۹۸ش.)، سید حسن مشکان طبسی(م: ۱۳۲۷ ش.) ومیرزا مرتضی مجتهد سجادی(م: ۱۳۱۲ ش.)همه در قید حیات بودند وبازار دانشهای فقه، اصول، نجوم، ریاضی، عرفان، تاریخ، تفسیر، فلسفه، منطق وادبیات گرم وپررونق تر از همیشه می نمود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

## حکایت دانش پژوهی

آقا بزرگ حکیم دروس مقدماتی را نزد پدر فاضل خود ونیز ملا غلامحسین شیخ الاسلام وآقا شیخ موسی منطقی در مدرسه«سلیمان خان» فراگرفت.

فقه واصول را در حوزه درس حاج میرزا محمد باقر شفتی ومیرزا محمد سروقدی رضوی وقسمتی از دانش معقول را در خدمت میرزا محمد خادم باشی دوره دید.

پس از آن عازم تهران شد ومدّتی در حلقه درس حکیم نامدار میرزا ابوالحسن جلوه ومیرزا هاشم گیلانی اشکوری(م: ۱۳۳۲ هـ . ق) صاحب تعلیقات بر«مفتاح غیب الجمع والوجود» صدرالدّین محمد بن اسحق قونوی، ونیز حکیم کرمانشاهی(م: ۱۳۳۷ هـ. ق) شرکت کرد.

## آهنگ نجف

آقا بزرگ حکیم، همزمان با اوج گیری نهضت مشروطیّت به نجف اشرف، کانون حرکتهای سیاسی-علمی شیعه علیه استعمار واستبداد، هجرت کرد.

او، با توجه به رابطه خانوادگی با آخوند ملامحمد کاظم خراسانی وشناخت آخوند نسبت به دودمان بلند آوازه اش، وارد در بیت مرحوم آخوند خراسانی شد ومورد اعزاز واکرام وی قرار گرفت واز فردای آن روز در مجلس درس آخوند شرکت جست. او به دلیل آمادگی ذهنی وورزیدگی عقلی، در فهم قواعد پیچیده علم اصول پیشرفت چشمگیری کرد. پس از گذشت چند سال وبه هنگام بازگشت به ایران، عدّه ای ازعلما به ایشان چنین پیشنهاد کردند: خوب است شما نیز مانند دیگر شاگردان آخوند از ایشان«اجازه»دریافت کنید.

او، درپاسخ گفت: «اگر ملاهستم نیازی به اجازه نیست»

## مراجعت به مشهد

آقا بزرگ در حدود سال ۱۲۹۲ شمسی از نجف به مشهد بازگشت. او، پس از آن، تا زمان ارتحال، یعنی متجاوز از ۲۳ سال، در منزل خود به تدریس وتربیت طلاب پرداخت.

خارج فقه، شرح قوشجی بر تجرید، شرح خواجه نصیر بر اشارات شیخ الرّئیس، شوارق، شواهد الربوبیه، مبدأ ومعاد، شرح هدایة واسفار ملاصدرا توسط ایشان تدریش می شد وحوزه مشهد از آنها رونق می گرفت.

به تدریج آوازه او در دیگر شهرها پیچید واز این راه دانشوران بافراستی از دور ونزدیک گرداگرد جان روشن این مرد حکیم حلقه زدند ودر کنار آموختن حکمت نظری، تحت تأثیر همّت بلند وبی اعتنایی او به حطام دنیوی قرار گرفتند.

او، در فلسفه بیشتر به سبک شیخ الرّئیس متمایل بود وبا این حال آثار ملاصدرا را می ستود.

## خوشه چینان خرمن حکیم

سطح معرفت وفرهیختگی ایشان در حدّی بود که دو فقیه بلند آوازه معاصر وی: آیت اللّه حاج آقاحسین قمی وآیت اللّه میرزا محمد آقازاده، فرزند مرحوم آخوند خراسانی، در معقول از ایشان بهره می بردند.

میرزا سید حسن موسوی بجنوردی، صاحب «قواعد فقهیه» و«منتهی الاصول» و«شرح اسفار» واز اساتید معقول استاد سید جلال الدین آشتیانی، از تلامیذ بنام آقابزرگ در حکمت وفلسفه است.

دیگر شاگرد او حاج سید موسی قطب المحدثین(متولد ۱۳۰۸ هـ . ق) است که اصالتاً از کشمیر بود. وی سالها ازمحضر حکیم، کلام و حکمت فرا گرفت ودر نهایت بر کرسی تدریس حکمت نشست وعمر خودرا در ترویج آن مصروف کرد.

تربیت یافته دیگر محضر حکیم، حاج شیخ محمد حسین خراسانی نجفی است. او، ادبیات را نزد ادیب نیشابوری، محقق نوغانی وشمس، ریاضی را پیش حکیم زرگر، نجوم را نزد مدرس ومعقول را در محضر آقابزرگ حکیم، میرزا ابوالقاسم الهی، آقا شیخ نعمت اللّه دامغانی وآقا سید حسین بادکوبه ای دوره دید.

سید محمد تقی مدرس رضوی فرزند دانشمند فرزانه میرزا محمد باقر مدرس رضوی، نیز در نزد او تلمّذ کرد وشرح هدایه ملاصدرا و بخشی از شرح اشارات خواجه طوسی را نزد وی فرا گرفت.

از شاگردان دیگر او آقا شیخ سیف اللّه تبریزی رضوی، صاحب«مکارم الفحول»است که اسفار را نزد وی وحاجی فاضل

آموخته است. سید جلال الدین مشرف رضوی وسید ذبیح اللّه سبزواری نیز از شاگردان آقا بزرگ هستند.

مرحوم غلامرضا کیوان(متولد ۱۲۹۲ ش.)صاحب آثاری از قبیل«زندگانی سردار کابلی»، «شرح گلشن راز» و«شرح حال طبیب اصفهانی» ، شرح اشارات خواجه و اسفار را از خدمت آقا بزرگ حکیم وشرح منظومه را نزد فرزند ایشان میرزا مهدی شهیدی آموخته است. خود وی در مصاحبه با کیهان فرهنگی از آن دوران چنین یاد می کند:

«من درهر سه درس حاضر می شدم ومورد مهر این پدر و پسر بزرگوار بودم.»

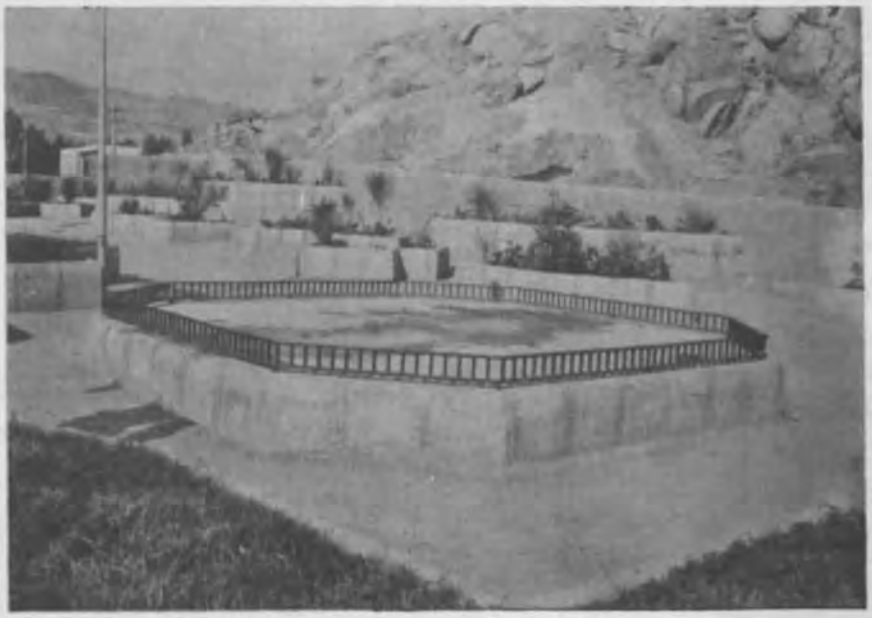

نمای مزارستان حاج آقا بزرگ حکیم

شیخ محمود حلبی نیز از شاگردان آقا بزرگ حکیم است که هفت سال از محضر او فلسفه آموخت وبا آمدن میرزا مهدی اصفهانی به حوزه درسی وی پیوست.

مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی(۱۳۱۸ـ ۱۳۸۶ هـ . ق) ونیز مرحوم شیخ غلامحسین محامی بادکوبه ای (م: ۱۳۳۳ ش.) که از عالمان تفکیکی (به تعبیر استاد محمد رضا حکیمی) هستند، مدتی از عمر پربار خود را در محضر انسان ساز آقا بزرگ حکیم سپری کرده اند.

مرحوم آیت اللّه حاج سیّد محمد سعادت مصطفوی (م: ۱۳۷۳ ش.) وحاج شیخ سیف اللّه ایسی از اساتید فلسفه مشهد نیز از شاگردان بنام اویند.

## آثار قلمی

مرحوم آقابزرگ تألیفاتی نیز داشته است، ولی تاکنون هیچ یک از آثار ایشان چاپ یا معرفی نشده است.

## حکمت و وارستگی

مرحوم آقا بزرگ، به صراحت لهجه، آزاد منشی و وارستگی شهره بود. بااین که در نهایت سختی زندگی می گذراند، طبعی منیع داشت. یکی از علمای مرکز که با او سابقه دوستی داشت، پس از اطلاع از فقر وی، با شخصیّتهایی درتهران تماس می گیرد... ابلاغ مقرری قابل توجهی برای او صادر می شود. وقتی این ابلاغ به همراه نامه ای از آن عالم به دست حکیم می رسد، ضمن ابراز ناخرسندی از عمل به ظاهر خیرخواهانه دوست تهرانی خود، درپشت پاکت می نویسد: «ما آبروی فقرو قناعت نمی بریم...»

وسپس همان پاکت را باهمه محتوایش پس می فرستد.

هرچند در حکمت نظری صاحب نظران زیادی هم عصر وی بوده اند، ولی بی تردید کمتر کسی در حکمت عملی به پای وی می رسید.

او، با تمام وجود خود به بی اعتباری دنیا ودنیا پرستان پی برده بود. رفیع ووضیع در پیش او یکسان بودند. او رفعت انسان را در میزان بریدگی از تعلّقات مادی می دانست، آقا بزرگ تا پایان عمرهرگز کرامت انسانی را با چیزی معامله نکرد. او با وجود محدودیت معاش، همواره سربلند زیست.

به نقل کسانی که محضر ایشان را درك کرده اند، به اندازه ای محضر وی گرم وشیرین بود که هرکس پس ازیک بار همنشینی با او، مفتون و مجذوب وی می گشت. ازدیگران با خوشرویی پذیرایی می کرد وتند صحبت می کرد، مرتب سیگار می کشید وچای می خورد. او در ۲۴ ساعت به یک وعده غذا اکتفا می کرد.

از زندگی چیزی جز زیرانداز کهنه ای نداشت وهمان را به عنوان لحاف استفاده می کرد. سکویی فلزی در ابتدای بازار فرش قرار داشت که حکیم در رفت وآمد خود، جهت استراحت بر روی آن می نشست.

او، باایرج میرزا که درآن روزگار در خراسان زندگی می کرد، دوستی ومراوده داشت. ایرج میرزا به ایشان عشق می ورزید ومیان آنان مطایباتی ردّ و بدل می شد.

آقا بزرگ، از میان معاصرین خود به ملاعباس تربتی، پدر مرحوم حسینعلی راشد ویکی از نوابغ وادی زهد وعمل، علاقه تام داشت و او را می ستود.

## غروب آفتاب کمال

آخرین بخش حیات آقابزرگ، مصادف است با دیکتاتوری رضاخان ومحدودیت سنگینی که برحوزه های علمیه رفت. بی تردید اگر این مانع اجتماعی وجود نداشت، ایشان در تاریخ عقل گرایی این سرزمین، تأثیری فراتر از این می گذاشت. او، یک سال پس از فاجعه خونین مسجد گوهرشاد وقتل عام فجیع مردم به دست دژخیمان پهلوی، در جمادی الآخر سال ۱۳۵۵ هـ. ق مطابق با ۱۳۱۵ هجری شمسی درگذشت وبرحسب وصیت خود در دامنه شرقی کوهسنگی دفن شد.

مرحوم الهی قمشه ای که خود از شاگردان آقابزرگ بوده است وبه ایشان ارادت می ورزیده، در رثای وی غزلی با این مطلع سروده است:

برفت اهل دلی، راد مرد هشیاری
بلند همت ودانشور و وفاداری
برفت از فلک دانش، آفتاب کمال
بشد زکشور فرزانگی جهانداری

پس از دفن آقابزرگ تنی چند از بستگان، شاگردان وعلاقه مندان وی ازجمله: سید مرتضی، شیخ مهدی عطار مهاجرهروی، شیخ سیف الله، محسن مستخدم زواری، حاجیه بی بی شاهزاده میرزای شهید وشیخ اسدالله یزدی وتنی چند به وصیت خودشان در کنار مزار حکیم دفن شدند ومحفل انسی فراهم آوردند. اخیراً اطراف این مزارستان را جدول بندی کرده وگل وچمن کاشته اند و خورشید هر سپیده دم وشامگاه، چشم خود را با نگاه براین مزار حکمت، باز وبسته می کند.

## سلاله فرزانگی

آقا بزرگ حکیم فرزندانی داشت که نام آورترین آنان مرحوم میرزا مهدی شهیدی است. به گواهی بزرگان علم، او از نوابغ عصر بود وشخصیتهای برجسته ای را، علی رغم عمر کوتاه خود، تحت تأثیر قرار داد.

استاد شهید مرتضی مطهری درآثار خود به مناسبت از ایشان سخن به میان آورده وشخصیت علمی واخلاقی او را می ستاید.

او درکتاب «ماتریالیسم درایران» آن جا که از تحولات روحی خود در دوران نوجوانی ومیل باطنی خویش به فیلسوفان، عارفان ومتکلّمان سخن می گوید، چنین می نویسد:

«درسنین میان ۱۳ تا ۱۵ سالگی، درمیان آن همه علما وفضلا ومدرسین حوزه علمیه مشهد، فردی که بیش از همه در نظرم بزرگ جلوه می نمود ودوست داشتم به چهره اش بنگرم و در مجلسش بنشینم وقیافه وحرکاتش را زیرنظر بگیرم وآرزو می کردم که روزی پای درسش بنشینم، مرحوم میرزا مهدی شهیدی مدرس فلسفه الهی درآن حوزه بود.»

ودر کتاب «خدمات متقابل ایران واسلام» می نویسد:

«این بنده در ابتدای تحصیل عربی در مشهد، سالهای ۵۴-۱۳۵۳ هـ. ق، «آقا بزرگ حکیم» را که پیرمردی سپید موی وساده زیست بود، دیده بودم. وی فرزندی داشت به نام «میرزای مهدی» که درهمه حوزه عظیم وپررونق مشهد درآن وقت، ازنظر فضل وفضیلت مانند ستاره می درخشید، استاد شرح منظومه، اسفار وکفایه بود. آن وقت سنین میان سی وچهل را طی می کرد. آن جوان در ۱۳ رجب سال ۱۳۵۴ هـ. ق در مشهد درگذشت وسال بعد (۱۳۵۵ هـ. ق) خود آقابزرگ رحلت کرد وبا درگذشت این دونفر، پرونده روحانیت وحکمت وفلسفه در این خاندان بسته شد.

حکیم میرزا مهدی فرهیختگی وفرزانگی پدر را در زندگی کوتاهش به نمایش گذاشت. می گویند استاندار وقت از ایشان جهت کارهای دولتی دعوت کرد، ولی او امتناع نمود واظهار داشت:

این که من کرباسی بیش برتن ندارم، برای این است که به امور دنیوی اشتغال نداشته باشم.»